

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی نیرودی دامت برکاته

دوره ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۲-۹۱

جلسه ۵۷ - دوشنبه ۹۱/۱۱/۱۶

نظر نهایی در عدم جریان اصول مؤمنه در تمام اطراف علم اجمالی

به نظر می‌رسد آنچه که شهید صدر علیه السلام فرمود که کلاً در ارتکازات عقلائیة غرض ترخیصی مقدم بر اغراض الزامی معلوم نمی‌شود و این، قرینه بر عدم اطلاق در أدله‌ی اصول است، به طور مطلق درست نیست، هر چند با بیانی که خواهد آمد فی الجمله مدّعا را می‌توان تصدیق کرد و آن اینکه عرف عمل حاکمی که دارای احکام کثیره‌ای است و به مجرد مختصر اشتباهی ترخیص در ارتکاب تمام اطراف را می‌دهد مستهجن می‌شمارد و این روش را در جعل احکام، عقلائی نمی‌بیند هر چند در نظر عقل محض محالیّتی ندارد.

بلی، عقلاً مانعی نمی‌بینند در مواردی اغراض ترخیصیه بر اغراض الزامیه مقدم شود؛ مثلاً اگر اطراف بسیار زیاد باشد به گونه‌ای که عملاً بعضی آنها مورد ابتلاء نیست و اگر فرضاً از جهت دیگر مانعی از شمول أدله‌ی اصول نسبت به تمام اطراف نباشد استهجان مذکور، مانع شمول أدله‌ی اصول نسبت به تمام اطراف نمی‌باشد. چنانکه اگر نسبت به خصوص بعضی احکام، ترخیص در تمام اطراف را جعل کند حتی در اطراف محصور استهجان عرفی مذکور وجود ندارد.

بنابراین نمی‌توانیم به طور کلی بگوییم شمول اطلاق نسبت به تمام اطراف دچار مانع اثباتی است، هر چند در اکثر موارد چنین مانع اثباتی وجود دارد؛ زیرا أدله‌ی اصول مؤمنه معمولاً مفید قاعده‌ی کلیه می‌باشد و مربوط به موارد خاص نمی‌باشد. بلی، نسبت به اطراف کثیره و نیز موارد دور از ابتلاء، از حیث

استهجان مذکور مانعی وجود ندارد. استهجان عرفی در تمام اطراف با توجه به مطلب ذیل واضح تر می شود و آن اینکه در شبهات موضوعیه تحقیق و تفحص لازم نیست و ایجاد موضوع نیز مانعی ندارد، در نتیجه بر فرض جریان اصل در تمام اطراف، در مواردی که علم تفصیلی به حرامی وجود دارد می توان با مشتبه ساختن حرام مرتکب آن شد؛ مثلاً ظرفی که حاوی مسکر است را با ظروف دیگر مشتبه می کنیم و ملتزم می شویم که می توان با اجرای اصل، هر دو را مصرف کرد، یا غذایی نجس می شود ولی با قرار دادن غذایی پاک در کنار آن به گونه ای که مشتبه شوند اصل را در هر دو ظرف جاری کرده و آن را مصرف می کنیم.

بنابراین آنچه که به نظر می آید آن است که در مواردی که عرف اجرای اصل در تمام اطراف را مستهجن بداند ولو عقلاً محذوری نباشد، أدله ای اصول در تمام اطراف جاری نخواهد بود؛ خصوصاً اینکه بعضی روایات اطراف علم اجمالی را محکوم به احتیاط دانسته اند، مانند موثقه ی عمّار که در آن از امام علیه السلام سؤال شد؛ می دانیم یکی از دو إناء نجس شده است و آب دیگری برای وضو موجود نیست و حضرت فرمودند: «يَهْرِيْقُهُمَا جَمِيعاً وَيَتَيَّمُّ»^۱ هر دو را بریزد و تیمم کند.^۲

این روایت نیز کمک می کند که فی الجمله نمی توان در تمام اطراف علم اجمالی اجرای برائت کرد، اما اینکه مطلقاً نتوانیم در اطراف علم اجمالی، اصول را جاری کنیم قابل پذیرش نیست.

سخن ما تقریباً با سخن شهید صدر علیه السلام تفاوتی ندارد إلاً اینکه شهید صدر علیه السلام علی الإطلاق ارتکاز عقلائی مبنی بر عدم تقدّم غرض ترخیصی بر غرض الزامی را مانع از اطلاق أدله ای اصول مؤمنه نسبت به تمام اطراف دانستند، ولی به نظر ما چنین ارتکاز عامی وجود ندارد بلکه موارد، کیفیت حکم، تعداد اطراف و کیفیت مورد ابتلاء تأثیر دارد.

در موارد عادی با تعداد اطراف محدود، معمولاً محذور استهجان وجود دارد ولی اگر اطراف بسیار باشد و همه ی آنها عملاً محتمل الإبتلاء نباشد، با فرض اینکه مانع دیگری از اجرای اصل نباشد علم اجمالی مانع اجرای اصل در همه ی اطراف نخواهد بود.

۱. تهذیب الاحکام، ج ۱، باب التیمم و احکامه، ص ۲۴۸، ح ۴۳: مَا أَخْبَرَنِي بِهِ الشَّيْخُ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ قَالَ: سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ مَعَهُ إِنْءَانِ فِيهِمَا مَاءٌ وَقَعَ فِي أَحَدِهِمَا قَدْرًا لَا يَذْرَى أُتُهُمَا هُوَ وَ لَيْسَ يَقْدِرُ عَلَى مَاءٍ غَيْرِهِ قَالَ يَهْرِيْقُهُمَا جَمِيعاً وَيَتَيَّمُّ.

۲. گرچه راه احتیاط با تکرار وضو در بعض حالات باز است چنانکه در جای خود بیان کرده ایم، و با وجود این، امر به اهراق هر دو شده است و این تعبّدی اضافه می باشد.

آیا اجرای اصل در بعض اطراف علم اجمالی امکان دارد؟

اکثر اصولیون قائل شدند اصل در تمام اطراف، محذور ثبوتی یا اثباتی دارد و ما نیز فی الجمله محذور اثباتی را پذیرفتیم، اما آیا امکان اجرای اصل در بعض اطراف وجود دارد؟ به تعبیر دیگر می توان موافقت قطعیه را ترک کرد؟

در این مسئله نیز دوگونه می توان بحث کرد؛ اینکه آیا نفس علم اجمالی در عدم اجرای اصل حتی در یک طرف کافی است یا خیر؟ و دیگر اینکه ولو نفس علم اجمالی در مانعیت جریان اصل در یک طرف کافی نیست اما با ضمیمه ای می توان گفت جریان اصل در یک طرف نیز امکان ندارد.

کسانی که قائل هستند نفس علم اجمالی در عدم جریان اصل حتی در یک طرف کافی است، طرفدار نظریه ی علّیت تامّه ی علم اجمالی برای وجوب موافقت قطعیه هستند، که از جمله ی آنها محقق عراقی رحمته الله است.

بیان محقق عراقی رحمته الله در عدم اجرای اصل در بعض اطراف

همان گونه که در مباحث قبل بیان شد محقق عراقی رحمته الله معتقدند تفاوتی میان علم تفصیلی و علم اجمالی وجود ندارد؛ زیرا به نظر ایشان معلوم علم اجمالی، فرد مبهم است و طبق بیانی که گذشت از آنجا که حکم فرد، منجز و معلوم است باید مکلف از عهده ی آن برآید و مصداقی از مصادیق اشتغال یقینی است که مقتضی برائت یقینی است. لذا در هر یک از اطراف، احتمال عصیان تکلیف واصل وجود دارد و حرام است و شارع نمی تواند ترخیص در ارتکاب آن بدهد.

از آنجا که محقق عراقی رحمته الله می داند در برخی موارد با وجود علم اجمالی می توان در یک طرف اصل را جاری دانست لذا با این سؤال مواجه هستند که اگر علم اجمالی علّت تامّه ی موافقت قطعیه است ترخیص در یک طرف چه معنایی دارد؟ لذا در این مسئله محقق عراقی رحمته الله راه حلّی را ارائه می کند بدین صورت که در این موارد شارع از حکم خود دست نکشیده است و در حقیقت ترخیص در عصیان حکم فعلی علی فرض مصادفت با واقع نداده است بلکه در مقام عمل، بدلی را برای حکم واقعی قرار داده است.

به عنوان مثال وقتی علم اجمالی وجود دارد که یکی از دو إناء نجس شده است و یکی از آنها سابقه ی طهارت دارد و دیگری سابقه ی نجاست دارد، با جریان استصحاب طهارت در یکی می توان آن را مرتکب شد و تنها از دیگری اجتناب کرد، در حالی که اگر علم اجمالی علّت تامّه ی موافقت قطعیه است باید از هر دو طرف اجتناب کرد، اما به نظر محقق عراقی رحمته الله آنچه که مستصحب النجاسة است اگر واقعاً طاهر باشد و دیگری نجس باشد، شارع اجتناب از همین مستصحب النجاسة را بدل از اجتناب از نجاست واقعی قبول می کند.

بررسی کلام محقق عراقی رحمته الله

فرمایشات محقق عراقی رحمته الله را در مباحث قبل مورد نقد و بررسی قرار دادیم و بیان کردیم با وجود علم إجمالي می‌توان در تمام اطراف برائت شرعی جاری کرد، لذا اجرای اصل در یک طرف نیز به طریق اولیٰ ممکن است و جواب‌های سابق کافی است و تکرار نمی‌کنیم.

بیان دیگری از وجود محذور در عدم اجرای اصل در بعض اطراف

اصولیین عموماً بیان کرده‌اند علم إجمالي علت تامه‌ی امتثال معلوم بالاجمال نیست به نحوی که مانع از جریان اصل مؤمن در یک طرف گردد، بلکه علم إجمالي تنها یک مقتضی است و لولا المانع اثرگذار خواهد بود و اگر جریان اصل مؤمن در یکی از اطراف را جاری نمی‌دانیم به علت نفس علم إجمالي نیست بلکه محذور دیگری وجود دارد.

بیان ذلک: اگر اصل را مثلاً در هر دو إناء جاری کنیم بیان شد محذور وجود دارد اما اگر اصل را در یکی دون دیگری جاری بدانیم ترجیح بلا مرجح خواهد بود؛ به چه دلیل می‌توان گفت إناء شرقی شرعاً پاک است ولی إناء غربی پاک نیست؟ به چه دلیل شارع یکی را بر دیگری ترجیح داده است؟

در تمام أدله‌ی شرعی مرجحی برای أحدهما دون دیگری پیدا نمی‌کنیم؛ زیرا نسبت هر دو طرف به علم إجمالي مساوی است و نسبت هر دو طرف به أدله‌ی مؤمنه نیز مساوی است، به چه دلیل می‌توان گفت شارع ارتکاب یک طرف را اجازه می‌دهد؟!

لامحاله نمی‌توانیم در یکی دون دیگری اصل جاری کنیم و در نتیجه احتیاط پابرجاست.

اشکال بر بیان مذکور (ترجیح بلا مرجح)

چه مانعی وجود دارد که برائت را در أحدهمای لابعینه جاری بدانیم؟ به این صورت که بگوییم یکی از دو إناء به حکم برائت پاک است اما لامعین است و لذا گرفتار محذور ترجیح بلا مرجح نخواهیم شد.

پاسخ اشکال فوق

همان‌گونه که با علم وجدانی به پاک بودن یک طرف مشکل برطرف نمی‌شود اجرای برائت در أحدهمای لامعین نیز ثمره‌ای ندارد و مکلف نمی‌تواند هیچ‌کدام را مرتکب شود.

مقرر: سید حامد طاهری